

گوهرهای نایاب

(پژوهشی نو در آیات و روایات تقوا)

تألیف

غلامرضا نیشابوری

نیشابوری، غلامرضا، ۱۳۴۰ -

گوهرهای نایاب: پژوهشی نو در آیات و روایات تقوا / تألیف غلامرضا نیشابوری. - قم: سید جمال الدین اسدآبادی، ۱۳۸۹.

۴۳۲ ص.

ISBN: 978-964-5660-38-1 ریال: ۷۰۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. تقوا ۲. تقوا - جنبه‌های اقرآنی. ۳. تقوا - احادیث. ۴. قرآن - اخلاق. ۵. احیای اخلاقی - قرن

۱۴. ۶. اخلاق اسلامی. الف. عنوان. ب. عنوان: پژوهشی نو در آیات و روایات تقوا.

۶۳۲/۲۹۷

BP ۲۵۰ / ۵۵ / ن / ۹ گ ۹



انتشارات سید جمال الدین اسدآبادی

گوهرهای نایاب

(پژوهشی نو در آیات و روایات تقوا)

• تألیف: غلامرضا نیشابوری

• ناشر: انتشارات سید جمال الدین اسدآبادی

• چاپ: یاران

• نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

• تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

• قیمت: ۷۰۰۰ تومان

• شابک: ۱-۳۸-۵۶۶۰-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

۳۵	پیشگفتار.....
۳۵	انسان و معیار ارزشها.....
۳۹	تقوا چیست؟.....
۴۲	آثار و نتایج تقوا.....
۴۴	عمل با تقوا کم نیست.....
۴۶	اهمیت نماز جمعه.....
۴۷	تقوا و نماز جمعه.....

تقوا در قرآن

۵۴	اهمیت تقوا.....
۵۴	تقوا، بهترین توشه آخرت.....
۵۵	تقوا و سفر آخرت.....
۵۵	تقوا و عبادت و صراط مستقیم.....
۵۵	تقوا شرط کمال و صبر.....

- تقوای مردم و رسیدن به رحمت الهی از اهداف انبیا ۵۶
- تقوا از اهداف کتب آسمانی ۵۶
- تقوا و گناهان اجتماعی ۵۶
- تقوا شرط تولیت مسجد الحرام ۵۷
- اهمیت تقوا در حال احرام- در حشر و قیامت ۵۷
- ایجاد تقوا در مردم از اهداف انبیاء ۵۸
- تقوا از اهداف همه ادیان آسمانی ۵۸
- پیشتازی و الگو بودن در تقوا ۵۸
- رابطه تقوا با علم خدا و نظارت بر اعمال انسان ۵۸
- تقوا، معیار ارزش انسان ۵۹
- تقوا، از اهداف تعلیمات قرآن ۵۹
- اهمیت تقوا در کسب و تغذیه ۵۹
- مراعات تقوا در جهاد ۶۰
- ارزش مسجد منوط به نیت و تقوای بانیان ۶۰
- ارزش عالی و نهایی تقوا** ۶۱
- ارزش واقعی، برای تقوا ۶۱
- رابطه تقوا با صبر، دعا و عبادت ۶۱
- تقوا برای خدا ۶۲
- ارزش برتر روحیه توحیدی و تقوا و عبادت ۶۲
- ظهور ارزش تقوا و هدایت الهی در قیامت برای کفار ۶۲
- ارزش عالی انسان با ایمان و با تقوا در زندگی دنیا ۶۲
- ارزشمندی انسان با تقوا، متکی به علم و اطلاع الهی ۶۳

۶۴	اهمیت تقوا در اهداف پیامبران.....
۶۴	«تقوای محمد ﷺ»
۶۴	نقش مهم تقوا در زندگی و برنامه پیغمبر ﷺ.....
۶۴	پیغمبر ﷺ آورنده دین صدق و مصدق به آن، متقی و محسن
۶۵	تقوا از اهداف مهم رسالت پیامبر اسلام ﷺ.....
۶۵	اهمیت تقوا در اهداف پیامبران.....
۶۶	اهمیت تقوا در اهداف حضرت نوح ﷺ.....
۶۶	اهداف تعلیمات حضرت نوح ﷺ.....
۶۷	تقوا در اهداف و رسالت حضرت هود ﷺ.....
۶۷	تقوای حضرت یحییٰ ﷺ.....
۶۸	حضرت لوط پیغمبر و دعوت مردم به تقوا.....
۶۸	توصیه به تقوا توسط حضرت لوط ﷺ.....
۶۹	حقیقت تقوا.....
۶۹	تقوا، مراعات حدود الهی و عمل به تکالیف.....
۷۰	دعوت به تقوا.....
۷۰	الف - دعوت عام قرآن در مورد تقوا.....
۷۰	ب - رابطه آفرینش با لزوم تقوا؛ تقوا و نظارت الهی.....
۷۰	دعوت به تقوا.....
۷۱	دعوت به تقوا و دوری از اسراف.....
۷۱	دعوت به ایمان و تقوا.....
۷۱	اهداف حضرت عیسیٰ ﷺ.....
۷۲	اهداف رسالت حضرت نوح ﷺ.....

- حضرت شعیب علیه السلام و دعوت به تقوا. ۷۲
- درجات تقوا. ۷۳**
- درجات تقوا و تقوا وسیله حفاظت از سرایت فساد. ۷۳
- درجات متقین در قیامت. ۷۳
- متقی انفاق کننده در راه خدا، در امان از آتش جهنم. ۷۳
- پرداخت مال به مساکین و پرداخت زکات شرط تقوا و نشانه‌های تقوا. ۷۴
- زمینه‌های تقوا. ۷۵**
- اجرای حدود اسلامی، موجب فراهم شدن زمینه تقوای اجتماعی. ۷۵
- روزه، وسیله تحصیل تقوا و سازنده انسان. ۷۵
- وصیت‌های الهی، باعث تعقل و تذکر و تقوی؛ تقوا، یکی از اهداف تکالیف آسمانی. ۷۵
- توجه به تاریخ و کيفر متجاوزان، وسیله تحصیل تقوا. ۷۶
- تقوا، محصول پیروی از قرآن و زمینه رحمت الهی، تقوا یکی از اهداف تکالیف آسمانی. ۷۶
- توجه به قیامت، وسیله تقوا، تقوا از اهداف تعلیمات دین. ۷۶
- قرآن، وسیله رشد، تکامل و کمال تقوای هدایت یافتگان. ۷۷
- تقوا، لازمه ایمان به خدا. ۷۷
- پاداش تقوا. ۷۸**
- سعادت آخرت و حسن عاقبت، پاداش تقوا. ۷۸
- بهشت خلد، جزای تقوا و توبه و تحفظ بر وظایف دینی. ۷۸
- لذات و نعم بهشتی، پاداش تقوا. ۷۹
- پاداش عظیم تقوا. ۷۹
- بهشت و نعم الهی، پاداش تقوا. ۷۹

آسایش و راحتی در زندگی آینده، پاداش مؤمن متقی.....	۷۹
بهشت و رستگاری، پاداش تقوا و یاد خدا.....	۸۰
پاداش احسان و تقوا نزد خدا.....	۸۰
بهشت عدن، جزای تقوا.....	۸۱
تقوا و عبادت، موجب استحقاق بهشت.....	۸۱
بهشت خلد، پایان راه تقوا.....	۸۲
موانع تقوا.....	۸۳
تقوا، مانع رباخواری؛ رباخواری، منافی تقوا.....	۸۳
همجنس بازی، مخالف تقوا و ناسازگار با رشد و کمال.....	۸۳
تقوا، مانع فساد و خرابکاری.....	۸۳
موارد تقوا.....	۸۵
وفای به عهد، تقوا و احسان.....	۸۵
حرف شنوی، اطاعت از دین و انفاق از مصادیق تقوا.....	۸۵
تجویز تقوا و رازگویی در مورد برّ و تقوا.....	۸۵
رابطه تقوا و گذشت، تقوا و عفو و گذشت مالی.....	۸۶
رابطه صبر و تقوا.....	۸۶
تقوا شرط نصیحت پذیری.....	۸۷
رابطه تقوا و ذکر خدا و روشن بینی.....	۸۷
رابطه تقوا و اثر موعظه.....	۸۷
رابطه تقوا و وفای به عهد و پیمان.....	۸۸
تقوا و آخرت.....	۸۸
لزوم مراعات عدل و قسط و تقوا در رفع اختلافات.....	۸۸

- تقوا، وسیلهٔ انجام تکالیف و سعادت آور ۸۹
- تقوا، شکر نعمتهای الهی ۸۹
- اهمیت تقوا و عمل صالح و احسان در نظام مصرف ۸۹
- ظهور منافع تقوا در قیامت، تقوا مانع فریب خوردن ۸۹
- رابطهٔ توکل و تقوا ۹۰
- رابطهٔ تقوا و حسن سلوک با زن ۹۰
- ایجاد عدل و تقوا در جامعه، از اهداف رسالت موسی علیه السلام ۹۱
- رابطهٔ تذکر و تقوا ۹۱
- بی اثر بودن قسم به ترک تقوا ۹۱
- تقوا و دوری از عذاب قیامت ۹۲
- آرامش دنیا و آخرت، پاداش متقین ۹۲
- بهشت و نعمتهای الهی، پاداش متقین ۹۲
- رابطهٔ تقوا و یاد خدا و استغفار ۹۲
- تقوا و دوری از گناه ۹۳
- تقوا، بهترین محافظ و نگهدار ۹۳
- اعتقاد به توحید، لازمهٔ تقوا ۹۴
- سعادت دنیا و آخرت، پاداش ایمان و تقوا ۹۴
- گمراهان و گنهکاران و دوری از تقوا ۹۴
- اوصاف بهشت و پاداش متقین ۹۵
- قرآن، وسیلهٔ هدایت به سوی تقوا ۹۵
- تقوا، هدف آفرینش ۹۵
- قرآن، وسیلهٔ بشارت به متقین ۹۶

بهبشت و رستگاری، پاداش متّقین.....	۹۶
تقوا و توجه به خلقت انسان.....	۹۶
رابطه تقوا و بت پرستی.....	۹۶
مقایسه بین متّقین و مفسدین.....	۹۷
تقوا و عدم خلف وعده الهی.....	۹۷
تقوا و اطاعت دستورات الهی، مزد رسالت.....	۹۷
متّقین و توحید در پاداش.....	۹۷
علم الهی به اعمال متّقین.....	۹۸
رابطه تقوا و ذکر و تفکر در آفرینش.....	۹۸
تقوا و پاداشی نیکو و پسندیده.....	۹۸
رابطه تقوا و اصلاح و عدم خوف و حزن.....	۹۹
تقوا، تبلیغ و موعظه.....	۹۹
تقوا، جنگ با کفّار.....	۹۹
اعتراف بی تقوایان.....	۱۰۰
لذات و نعم بهشتی، پاداش تقوا.....	۱۰۰
پذیرش سخنان پیامبر ﷺ، شرط تحصیل تقوا.....	۱۰۰
رابطه تقوا، ایثار و گذشت مالی.....	۱۰۰
رابطه تقوا و پذیرش آیات الهی.....	۱۰۱
تقوا و استمداد از حسنات الهی.....	۱۰۱
رابطه تقوا و بهشت.....	۱۰۱
رابطه تقوا، ایمان و غفران الهی.....	۱۰۲
تقوا در روابط با بیگانگان.....	۱۰۲

- تقوا و حمایت الهی ۱۰۲
- تقوا، موجب دوری از جهنم ۱۰۳
- بهشت و اوصاف آن، وعده الهی به متّقین ۱۰۳
- استمداد از تقوا در برابر دشمن ۱۰۳
- تقوا و دوستی‌های پایدار ۱۰۴
- ربوبیت الهی، مقتضی برخورداری از نعمات الهی ۱۰۴
- تقوا و دوری از عوامل قهر و غضب الهی ۱۰۴
- جایگاه متّقین در قیامت ۱۰۴
- بی تقوایی و دوری از رحمت الهی ۱۰۵
- قرآن و تأیید متّقین ۱۰۵
- بی تقوایی و عصیان در برابر پیامبر ﷺ ۱۰۵
- تقوا و سرور اخروی ۱۰۶
- آثار تقوا** ۱۰۷
- تقوا، مانع گناه و تجاوز ۱۰۷
- تقوا، وسیله نجات از جهنم ۱۰۷
- تقوا، وسیله بهره‌گیری از رحمت الهی ۱۰۸
- تقوا، خشیت و هراس از قیامت، شرط استفاده از کتب آسمانی ۱۰۸
- استحقاق ثواب الهی، در اثر تقوا و ایمان ۱۰۸
- تقوا، زمینه انجام تکالیف الهی ۱۰۸
- تقوا، ضامن اجرای تکالیف ۱۰۹
- تقوا، وسیله تحمّل مشکلات ۱۰۹
- رابطه تقوا و ترس از خدا و شرط قبولی اعمال ۱۱۰

- تقوا، شرط استفاده از مواهب آخرت ۱۱۰
- رابطه تقوا و پابندی به سنت و عهد ۱۱۱
- تقوا، مایه و باعث انجام تکالیف الهی ۱۱۱
- ایمان و تقوا باعث پذیرش مواظ الهی و مراعات حقوق زنان ۱۱۱
- رابطه تقوا و تذکر پذیری و غفران الهی ۱۱۲
- تقوا، عامل تزکیه انسان و هدایت فطری به سوی درک خیر و شر ۱۱۲
- تقوا، زمینه درک و توجه به آیات الهی ۱۱۲
- تقوا، وسیله سعادت آخرت ۱۱۳
- تقوا، وسیله کسب امنیت ابدی و رسیدن به بهشت ۱۱۳
- پیروزی انسان در سایه صبر، تقوا و احسان ۱۱۳
- تقوا، مانع دنیا پرستی و وسیله رسیدن به سعادت آخرت ۱۱۴
- تقوا، وسیله تکفیر و اصلاح سیئات و غفران گناهان و قدرت تشخیص حق و باطل ۱۱۴
- وفای به عهد و پیمان لازمه تقوا و مشمول محبت الهی ۱۱۴
- مقتی، مشمول محبت الهی ۱۱۵
- رابطه تقوا و اجرای احکام الهی ۱۱۵
- تقوا، وسیله حفظ از کید دشمن ۱۱۵
- صبر، تقوا و احتیاج، شرط نزول ملائکه ۱۱۶
- پذیرفتن ولایت کفار، منافی با ایمان و تقوا ۱۱۶
- تقوا، باعث رسیدن به لذات زندگی آخرت ۱۱۶
- ایمان، تقوا و انفاق، زمینه ای برای جلب رحمت خاص الهی ۱۱۶
- تقوا، وسیله جلب رحمت الهی ۱۱۷
- مقتی، در حفظ و حمایت الهی در مقابل عذاب جهنم ۱۱۷

- تقوا، مانع غیبت، سوء ظن و تجسس نسبت به مسلمانان ۱۱۷
- ایمان و تقوا، باعث بصیرت، روشن بینی و شناخت صحیح انسان ۱۱۸
- رابطه تقوا و توحید در عبادت ۱۱۸
- تقوا، شرط بهره‌گیری از مواظظ قرآن ۱۱۸
- تقوا و خشیت از خدا، از عوامل رستگاری و موفقیت ۱۱۹
- دوری از زخارف دنیوی، از آثار تقوا ۱۱۹
- پاداش عظیم تقوا** ۱۲۰
- ایمان مستلزم تقوا و تردید نکردن در قدرت خدا ۱۲۰
- ثمربخشی تقوا، مشروط به ایمان ۱۲۱
- تلازم تقوا با ایمان به خدا و آخرت ۱۲۱
- ایمان کامل، مسبوق به تقواست ۱۲۱
- باروری ایمان و تقوا، مشروط به توأم بودن ۱۲۲
- رابطه تقوا و ایمان و انضباط در مقابل رهبران الهی ۱۲۲
- تقوا و تسلیم** ۱۲۳
- رابطه تقوا و اسلام یا تسلیم ۱۲۳
- تقوا، زمینه پذیرش و اجرای احکام الهی ۱۲۳
- خداوند ضامن پاداش تقوا ۱۲۴
- رابطه توحید و تقوا ۱۲۴
- توحید کلمه، تقوا و زمینه‌های تحصیل آن ۱۲۴
- تقوا و تکلیف** ۱۲۶
- رابطه تقوا و انجام تکلیف ۱۲۶
- تقوای خانوادگی** ۱۲۷

اهمیت تقوا و اصلاح محیط خانواده	۱۲۷
تقوای قلب	۱۲۸
تقوا، از حالات قلب و روح	۱۲۸
رابطه تقوای قلبی و مراعات ادب پیغمبر ﷺ و رهبران الهی	۱۲۸
تقوای مؤمنان	۱۲۹
تقوای مؤمن، موجب جلب نعمت خدا و تکفیر سیئات	۱۲۹
تقوا و صداقت مؤمن، باعث پیروی او از پیامبر ﷺ و دین	۱۲۹
تقوا از عوامل رستگاری	۱۳۱
رابطه ایمان و تقوا با رستگاری	۱۳۱
تقوا و رستگاری	۱۳۱
تقوا، وسیله رستگاری	۱۳۱
تأثیر تقوا در صحت و اعتبار کلام و عمل و پاک شدن از گناهان	۱۳۲
تقوای اقتصادی	۱۳۳
تقوا در امور مالی و تنظیم سند	۱۳۳
تقوای اقتصادی و اعتدال در مصرف و تقوا لازمه ایمان	۱۳۴
تقوا، مانع از تجاوز به اموال عمومی	۱۳۴
تقوا و پیروزی	۱۳۵
رابطه تقوا و پیروزی	۱۳۵
تقوا و تأثیر آن در پیروزی	۱۳۵
تقوا و امانتداری	۱۳۶
رابطه تقوا و امانت	۱۳۶
تقوا و عدالت	۱۳۷

- ۱۳۷ رابطه تقوا و عدالت و تعاون در خوبی‌ها و عدم تعاون در ظلم
- ۱۳۷ تقوا و تشویق به عدالت
- ۱۳۹ **تقوای زنان**
- ۱۳۹ عفت، از مصادیق تقوای زنان
- ۱۳۹ تقوا و اجرای تکالیف الهی زنان
- ۱۴۰ **تقوا و حسن عاقبت**
- ۱۴۰ ستایش از تقوا، مقام و مرتبه اسماعیل، یسوع و ذوالکفل
- ۱۴۱ **تحصیل تقوا**
- ۱۴۱ تبیین وسایل تحصیل تقوا با هدایت الهی
- ۱۴۲ **انذار و تقوا**
- ۱۴۲ رابطه انذار و تقوا
- ۱۴۳ **رابطه احسان با صبر و تقوا**
- ۱۴۳ رابطه احسان و تقوا و بهشت عدن پاداش تقوا
- ۱۴۴ ربوبیت الهی مقتضی پاداش تقوا و احسان
- ۱۴۵ **تقوا در ادیان**
- ۱۴۵ تقوا، خواسته تمام ادیان آسمانی
- ۱۴۶ **تقوا در تغذیه**
- ۱۴۶ مراعات تقوا در امر غذا و خوردنی‌ها
- ۱۴۷ **تقوا و هدایت**
- ۱۴۷ رابطه تقوا و اطاعت اوامر الهی و هدایت الهی، اهمیت تقوا در شهادت
- ۱۴۷ رابطه تقوا و هدایت و تسلیم و عبادت در قیامت
- ۱۴۹ **تقوا و ربا خواری**

۱۴۹	ربا، ناسازگار با ایمان و تقوا.
۱۴۹	ربا خواری، منافی تقوا.
۱۵۰	تقوا و نماز
	نماز، شرط تقوا؛ صفات متقین و ابعاد تقوا؛ هدایت، محصول تقوا؛ ایمان به غیب، شرط
۱۵۰	تقوا
۱۵۰	رابطه تقوا با عبادت و نماز و صبر
۱۵۰	رابطه تقوا و نماز.

تقوا در روایات

۱۵۶	تقوا چیست؟
۱۵۶	تقوا و پرهیز
۱۵۶	پرهیز از گناهان کوچک
۱۵۷	تقوا عامل ترقی و پیشرفت
۱۶۰	تقوا رأس همه امور
۱۶۱	شیعیان تقوا پیشه کنید
۱۶۳	ای شیعیان! تقوا پیشه کنید
۱۶۳	تقوا توصیه خدا برای اولین و آخرین
۱۶۴	تقوا در آشکار و نهان
۱۶۴	گرامی ترین شما، باتقواترین شماست
۱۶۵	تقوا و مواظبت از نفس
۱۶۵	تقوا، بهترین توشه راه
۱۶۶	تقوا، سفارش اولیای الهی است

- سفارش حضرت علی علیه السلام به تقوا ۱۶۶
- کوچ کردن از دنیا با بهترین توشه ۱۶۷
- دنیا از زبان علی علیه السلام ۱۶۷
- لذتهای دنیوی ۱۶۷
- دنیا، محل عمل و آخرت محل جزاست ۱۶۸
- صبر بر تقوا ۱۶۹
- ای مردم! از خدا بترسید ۱۶۹
- تقوا، سفارش اولین و آخرین ۱۷۰
- پرهیز از دنیای فریبنده ۱۷۰
- تقوا بالاترین عزت ۱۷۱
- تقوا و نماز ۱۷۱
- تقوا برترین عمل ۱۷۲
- تقوا اخلاق پیامبران ۱۷۲
- روزی تقوا، بهترین روزی ۱۷۲
- تقوا، سرآمد تمام کارها ۱۷۲
- تقوا و حزب الله ۱۷۲
- تقوا قوی ترین بنیان ۱۷۳
- تقوا جانشین ندارد ۱۷۳
- تقوا برترین گنج ۱۷۳
- لباس تقوا ۱۷۳
- تقوا پناهگاه مؤمن ۱۷۴
- تقوا پناهگاه دین ۱۷۴

۱۷۴	تقوا و سازندگی دین
۱۷۴	تقوا و قبولی اعمال
۱۷۵	تقوا، پایه ایمان
۱۷۵	تقوا، ملاک برتری انسان نزد خدا
۱۷۶	باتقواترین شما، گرامی تر می باشد
۱۷۷	تقوا در هر مکانی
۱۷۷	اعمال پسندیده و بزرگواری
۱۷۸	تقوا و بزرگواری
۱۷۸	تقوا و اجتماع هر خیر و رشد
۱۷۹	تقوا در مورد قرآن
۱۸۰	تقوا، وصیت الهی
۱۸۰	تقوا و راه چاره برای متقین
۱۸۱	تقوا و پروا از ولی نعمت
۱۸۲	سفارش به تقوا و تلاش در این دنیا
۱۸۲	سفارش بندگان خدا به تقوا
۱۸۳	تقوا بهترین سفارش
۱۸۳	تقوای الهی و عمل به مسؤولیت
۱۸۴	تقوا رکن جامعه سالم علوی
۱۸۴	فواید تقوا
۱۸۴	اهمیت تقوا
۱۸۵	تقوا بالاتر از اسلام و ایمان
۱۸۵	حضور خداوند متعال

- اشک و آه نشانه تقوا..... ۱۸۶
- اهمیت و مصادیق تقوا..... ۱۸۶
- ضرورت تحصیل تقوا..... ۱۸۶
- راههای تحصیل تقوا..... ۱۸۷**
- همیاری در کسب تقوا..... ۱۹۰
- تقوا و هدایت مؤمنین..... ۱۹۰
- تقوا حق خدا..... ۱۹۰
- تقوا و سخن نیک..... ۱۹۱
- تقوا و راستگویی..... ۱۹۱
- تقوا و میانه روی..... ۱۹۲
- تقوا در همه جا..... ۱۹۲
- بندگان خدا، تقوا پیشه کنید..... ۱۹۳
- تقوا و ترس از قیامت..... ۱۹۳
- مواضع تقوا..... ۱۹۵
- توصیه به تقوا و هفت خصلت نیک..... ۱۹۶
- تقوا و صلهٔ ارحام..... ۱۹۷
- تقوا و دوری از گناه..... ۱۹۷
- تقوا و بردباری و سکوت..... ۱۹۸
- تقوا و انجام اعمال نیک..... ۱۹۸
- تقوا و اداى امانت..... ۱۹۹
- تقوا و قول سدید..... ۱۹۹
- تقوا در نقل گفتار..... ۲۰۰

۲۰۰	تقوا و طاعت الهی
۲۰۲	تقوا و اطاعت از امام عادل
۲۰۲	تقوا و پارسایی
۲۰۲	ای مردم تقوا پیشه کنید
۲۰۳	تقوا و تلاش در طاعت الهی
۲۰۳	تقوا و شکر نعمت
۲۰۵	تقوا و نیکو به جا آوردن رکوع و سجده
۲۰۵	تقوا در انجام واجبات
۲۰۵	پرهیز از معاصی در خلوتها
۲۰۶	تقوا و اطاعت از امامان
۲۰۶	تقوا و سکوت
۲۰۷	تقوا و عدالت
۲۰۷	تقوا و توکل
۲۰۸	تقوا و راستگویی و ادای امانت
۲۰۸	تقوا و دوست داشتن برادر مسلمان
۲۰۹	سفارش به تقوا و صلۀ ارحام و ادای حقوق آنها
۲۱۰	سفارش به تقوا و گذشت از مردم
۲۱۰	تقوا و امر به معروف و نهی از منکر
۲۱۱	تقوا و آمادگی برای مرگ
۲۱۲	سفارش به تقوا و عمل به طاعت خدا و پرهیز از نافرمانی او
۲۱۲	سفارش به تقوا و ترک دنیا
۲۱۳	تقوا و اصلاح اعمال

- ۲۱۳..... تقوا و ترک لذتها و شهوتهای دنیوی
- ۲۱۴..... پارسایی و روگرداندن از دنیا
- ۲۱۵..... تقوا پیشه کنید ای بازاریان
- ۲۱۵..... همکاری در تقوا و نیکی
- ۲۱۶..... تقوا و پرهیز از قطع رحم
- ۲۱۶..... تقوا و عبرت گرفتن از عبرتها
- ۲۱۷..... تقوا و تسلط بر نفس به هنگام خشم
- ۲۱۷..... تقوا و یاد مرگ و تلاوت قرآن
- ۲۱۸..... تقوا و تلاش در جلب رضای خدا
- ۲۱۸..... حرکت در برابر خدا با تقوا
- ۲۱۹..... صفات متقین
- ۲۱۹..... تقوا و برخورداری از دنیا و آخرت
- ۲۱۹..... تقوای پروردگار و توبه واقعی
- ۲۲۰..... خدا با تقوا پیشگان است
- ۲۲۰..... تقوا در سخن گفتن از دیگران
- ۲۲۰..... ورع بهترین قلعه
- ۲۲۱..... علائم تقوا
- ۲۲۱..... معنای تقوا
- ۲۲۱..... تقوا و گفتن حق
- ۲۲۲..... تقوا و اطاعت الهی
- ۲۲۲..... مراتب تقوا
- ۲۲۴..... تقوای الهی و آرامش در جستن روزی

۲۲۴	تقوا، نشانه شیعیان راستین
۲۲۶	تقرب به خدا با اطاعت او
۲۲۶	سفارش به تقوا و تلاش و ورع
۲۲۷	ورع و امید ثواب
۲۲۷	پارساترین مردم
۲۲۷	سفارش به تقوا و راستگویی و ادای امانت
۲۲۸	تقوا و عفت شکم
۲۲۸	هر قدر می‌توانید تقوا پیشه کنید
۲۲۹	تقوا و حفظ دین با پارسایی
۲۲۹	تقوا و ادای امانت
۲۲۹	تقوای الهی و یاد مرگ و زهد در دنیا
۲۳۰	تقوای الهی و تفکر
۲۳۰	تقوا و میانه روی
۲۳۰	سفارش به ترس و پروا از خدا
۲۳۱	تقوا در آشکار و نهان
۲۳۱	تقوا از خدایی که برگشت همه به سوی اوست
۲۳۲	تقوا و برادری
۲۳۲	تقوا و ترک گناهان کوچک
۲۳۳	تقوای شایسته
۲۳۳	مراتب تقوا
۲۳۴	تقوای عملی
۲۳۵	اوصاف متقین

- ۲۳۵ تقوا نخستین سفارش
- ۲۳۵ تقوا، آبادانی دل
- ۲۳۶ مصادیق تقوا
- ۲۳۶ مصادیق عملی تقوا
- ۲۳۷ تقوا پناهگاهی استوار
- ۲۳۷ تقوا بهترین میزان و معیار
- ۲۴۰ جایگاه متقین در آخرت
- ۲۴۱ پاداش متقین
- ۲۴۱ متقین بندگان برگزیده
- ۲۴۲ متقین نجات پیدا می‌کنند
- ۲۴۲ متقین در جایگاه امن
- ۲۴۳ چه زیباست خانه متقین
- ۲۴۴ تقوا و نیکی و احسان
- ۲۴۵ تقوا و خیر دنیا و آخرت
- ۲۴۶ تقوا و رستگاری
- ۲۴۷ تقوا و امنیت
- ۲۴۷ سفارش به تقوا
- ۲۴۷ تقوا، جزر خداست
- ۲۴۸ تقوا سبب گشایش
- ۲۴۸ پارسایی کلید گشایش الهی
- ۲۴۹ خدا متقین را دوست دارد
- ۲۴۹ تقوا و نجات متقین

۲۵۲	تقوا هنگام معصیت
۲۵۲	تقوا و تثبیت نعمت
۲۵۳	تقوا و نعمتهای الهی
۲۵۳	تقوا و یاد خدا
۲۵۴	تقوا، عامل کرامت انسانی
۲۵۵	تقوا مایهٔ روسفیدی و رضایت خداست
۲۵۵	تقوا باعث گشایشی از طرف خدا
۲۵۶	تقوا ذخیرهٔ رستاخیز
۲۵۶	تقوا و رام کردن نفس
۲۵۷	تقوا، عامل قبولی اعمال
۲۵۷	تقوای قلب و صحت بدن
۲۵۷	توصیه به تقوا
۲۵۸	تقوا دژ محکم
۲۵۸	تقوا پشتیبان عامل
۲۵۸	تقوا پناهگاه رفیع
۲۵۸	تقوای و محافظت الهی
۲۵۹	تقوا کلید خوبی‌ها
۲۵۹	تقوا و صلاح دین
۲۵۹	تقوا سبب صلاح ایمان
۲۵۹	تقوا و ذکر الهی
۲۶۰	تقوا و بی‌نیازی دنیوی
۲۶۰	ملازمت تقوا

- تفسیر آیه‌ای در مورد تقوا ۲۶۰
- تقوا و بی‌نیازی ۲۶۱
- تقوا و کمال انسانی ۲۶۱
- متقین، ارجمندترین مردم ۲۶۲
- صبر و پرهیز از نافرمانی خدا ۲۶۳
- عمل کم، همراه با تقوا بهتر از عمل زیاد بدون تقوا ۲۶۳
- ارزش تقوا ۲۶۴
- فواید تقوا ۲۶۵
- تقوا، سپر آتش ۲۶۵
- تقوا عامل امنیت ۲۶۵
- عوامل تضعیف تقوا ۲۶۸
- تقوا در تجسس و کنجکاوی ۲۶۹
- تقوا، هنگام مخاصمه ۲۷۰
- تقوا و ترک ربا ۲۷۰
- تقوا و دوری از افراط ۲۷۰
- تقوا و دنیا طلبی ۲۷۱
- تقوا و بی‌صبری ۲۷۲
- تقوا و دوری از ظلم ۲۷۲
- تقوا و ترک ربا ۲۷۳
- تقوا در قسم خوردن ۲۷۳
- تقوا و ترک غیبت ۲۷۴
- تقوا و پرهیز از خشم خدا ۲۷۴

۲۷۵	تقوا و دوری از بیهوده کاری
۲۷۶	تقوا و ترک گناهان
۲۷۶	تقوا و دوری از ریا
۲۷۷	از لباس تقوا عریان نشوید
۲۷۷	تقوا و دوری از گناهان کوچک
۲۷۷	تقوا و ترک حسادت
۲۷۸	تقوا و پرهیز از مکر الهی
۲۸۲	بی تقوایی، محرومیت است
۲۸۲	تقوا غناست و بی تقوایی عامل فقر و اضطراب
۲۸۴	تقوا و صلۀ رحم
۲۸۴	تقوا و یاد مرگ
۲۸۶	تقوا و عمل به طاعت خدا
۲۸۷	تقوا و استفاده مطلوب از دنیا
۲۸۷	تقوا و ترک دنیا
۲۸۸	تقوا و امید به هدایت الهی
۲۸۹	تقوا عامل بزرگواری و کرامت نفس
۲۸۹	تقوا بهترین توشه است
۲۹۰	از تقوا فاصله نگیرید
۲۹۰	تقوا بهترین لباس
۲۹۰	تقوا، نزدیک ترین وسیله به رضوان الهی
۲۹۱	سلوک در جادۀ تقوا
۲۹۱	تقوای سخن، تقوای دل

تقوا عامل آرامش و نجات ۲۹۲

نگرشی نو بر مفهوم تقوا

سخنی نوین در مفهوم تقوا ۲۹۵

درجات تقوا و ثمره هر یک از آنها ۲۹۷

تقوا موجب روشنی می شود ۲۹۸

مراتب و درجات تقوا ۲۹۹

مراتب تقوا ۲۹۹

درجات تقوا ۳۰۰

ارکان تقوا ۳۰۰

انواع و اقسام تقوا ۳۰۲

۱- تقوای روحی ۳۰۲

۲- تقوای مغزی و فکری ۳۰۳

۳- تقوای اعضا ۳۰۳

۴- تقوای قلبی ۳۰۳

۵- تقوای علمی ۳۰۴

۶- تقوای سیاسی ۳۰۴

۷- تقوای اقتصادی ۳۰۴

۸- تقوای جنسی ۳۰۵

۹- تقوای طبّی ۳۰۵

۱۰- تقوای لفظی ۳۰۵

همه نصیحتها در تقوا جمع است ۳۰۷

خوف و اقسام آن	۳۱۱
تقوا یا رشد معنوی	۳۱۵
تقوا، راه ارتباط با خدا	۳۱۶
بهشت و تقوا	۳۱۹
تقوا و ریاست	۳۱۹
زیانهای اجتماعی علم بدون تقوا	۳۲۱
تأثیر تقوا بر رفتار انسان	۳۲۲
رابطه علم و عمل با تقوا	۳۲۷
اهل تقوا از مرگ نمی ترسند	۳۲۸
تقوا یا حیات طیبه انسانی	۳۲۹
تقوا و تسلط بر نفس	۳۳۱
تقوا یا دربان دل	۳۳۴
اهمیت تقوا	۳۳۵

اسوه‌ها و الگوهای تقوا

همین آیه کافی است	۳۳۹
جوان بیدار	۳۴۰
اوج تقوا در نگاه امام حسن مجتبی علیه السلام	۳۴۰
صفوان بن یحیی و رضایت صاحب شتر	۳۴۱
کیفر عهدشکنی عابد	۳۴۱
آیه الله سید حسین کوه کمری علیه السلام اهل یقین بود	۳۴۳
آیه الله سید محمد فشارکی علیه السلام با کرامت بود	۳۴۴

- ۳۴۴..... نشاط مرجعیت
- ۳۴۵..... دوری از امامت جماعت و تقوای محدث قمی
- ۳۴۶..... استاد کلّ، وحید بهبهانی
- ۳۴۷..... آقا عبدالحسین فرزند وحید بهبهانی
- ۳۴۷..... شیخ انصاری رحمته الله چگونه بود؟
- ۳۴۸..... حقیقت زهد و پارسایی مرحوم نراقی رحمته الله
- ۳۴۹..... تقوا و توکل پسر عوف بن مالک
- ۳۵۰..... داستانی عبرت‌انگیز
- ۳۵۳..... یادآوری آخرت
- ۳۵۳..... چشم اشکبار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۳۵۴..... تأثیر آیات قرآن بر حاکم ظالم
- ۳۵۵..... شیخنا در فکر خود باش!
- ۳۵۶..... نمونه‌ای از زهد و پارسایی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام
- ۳۵۷..... زهد مولای متّقین علی علیه السلام
- ۳۵۷..... این طور نفس، بهتر ذلیل می‌شود.
- ۳۵۸..... شکم‌های خود را مدفن حیوانات قرار ندهید!
- ۳۵۸..... سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به فروشندگان کالا
- ۳۵۹..... جریان حضرت داوود علیه السلام و حضرت حزقیل علیه السلام
- ۳۶۰..... مسکن به قدر مورد نیاز نه طاغوتی
- ۳۶۱..... انتخاب نیک
- ۳۶۱..... تقوا و عزت نفس و حق‌طلبی ابوذر
- ۳۶۲..... آه گناهکار حسابگر

۳۶۲	 دنیا از دیدگاه رسول خدا ﷺ
۳۶۳	 ساده زیستی پیامبر اسلام ﷺ
۳۶۳	 اثر یک لقمه
۳۶۴	 سلمان فارسی از چه بیم داشت؟!
۳۶۵	 خوف واقعی، از گناه جلوگیری می‌کند.
۳۶۷	 چگونه خوفی خوب است؟!
۳۶۸	 تقوا محدودیت نیست؛ بلکه مصونیت است
۳۷۰	 رابطه تقوا و سلامت بدن.
۳۷۰	 انسان با تقوا دو درجه دارد.
۳۷۱	 امام خمینی و سوره حشر.
۳۷۲	 ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی.
۳۷۳	 شرایط ملاصدرا برای پذیرفتن شاگرد
۳۷۴	 سفارشهای میرداماد به ملاصدرا در اولین روز درس
۳۷۵	 امام خمینی و شیخ طوسی.
۳۷۶	 امام خمینی: غیبت، غذای سگان جهنم است.
۳۷۶	 نامه اخلاقی آیه الله آخوند ملاحسینقلی همدانی
۳۷۷	 آیه الله مرحوم شیخ محمد بهاری و راههای تحصیل تقوا
۳۷۷	 امام خمینی هرگز غیبت نمی‌کرد.
۳۷۸	 توصیه‌ای از مرحوم بیدآبادی
۳۷۸	 محدث قمی.
۳۷۸	 تأثیر یک آیه از قرآن.
۳۷۹	 شنیدن یک آیه از قرآن و تأثیر آن

- نتیجه ریاست طلبی ۳۷۹
- یاد جهنم ۳۸۰
- دقت امام خمینی علیه السلام در بیت المال ۳۸۱
- حضرت امام خمینی علیه السلام و صرفه جویی در کاغذ ۳۸۲
- احتیاط مرجع تقلید (صاحب جواهر) ۳۸۲
- آیه‌ای که منصور را منکوب کرد ۳۸۲
- انسان در لحظه مرگ ۳۸۳
- اثر غذای حرام ۳۸۴
- اثر لقمه ۳۸۴
- حضرت علی علیه السلام و حلوای فریب ۳۸۵
- تسلط بر نفس ۳۸۶
- آه از کمی توشه ۳۸۶
- اثر سوء خوردن مال حرام ۳۸۷
- دعا با شکم پر شده از حرام مستجاب نمی‌شود ۳۸۸
- مکافات عمل ۳۸۸
- نصیحت ابوذر در کنار کعبه ۳۸۹
- مجازات خیانت به بیت المال ۳۹۰
- رعایت و حفظ بیت المال و اصول اخلاقی ۳۹۱
- صاحب حدائق، مجسمه تقوا ۳۹۲
- عابد بنی اسرائیل ۳۹۴
- عالم و مفسر بزرگوار مرحوم طبرسی ۳۹۷
- کنیز هارون و موسی بن جعفر علیه السلام ۳۹۹

در گرفتاری ها این گونه کمک می کنند.....	۴۰۰
تقوا و ورع در عملکرد شهید مطهری علیه السلام	۴۰۲
شبهای علی علیه السلام چگونه می گذشت؟.....	۴۰۳
امام حسن علیه السلام از چه می ترسید؟.....	۴۰۵
عملی که خداوند از علامه مجلسی علیه السلام پذیرفت.....	۴۰۶
کسی که ایمان دارد، این چنین ترسان است.....	۴۰۹
این راز باید پوشیده بماند تا.....	۴۱۱
خاطره‌ای از علامه مداح.....	۴۱۲
این جوان را چه چیز رنجور کرده بود.....	۴۱۳
آیه الله اصفهانی و سفیر انگلستان.....	۴۱۴
دعا صفای دل می خواهد نه صورت زیبا.....	۴۱۵
تقوای علمی و مالی شیخ مرتضی انصاری.....	۴۱۷
من صد سال او را روزی دادم، تو تحمل یک ساعت او را نداشتی؟.....	۴۱۸
صوت خوش قرآن.....	۴۱۸
مرا از خدایی تو ننگ و عار آید.....	۴۱۹
امام راحل و تقوای فوق العاده وی.....	۴۲۰
تمام اعضای بدنم عاشق تو است.....	۴۲۲
من تنهایت نمی گذارم.....	۴۲۳
خانه بهشتی.....	۴۲۴
کرامتی شگرف از میرزای قمی.....	۴۲۵
تغییر دادیم قضا را.....	۴۲۸
دوستی علی علیه السلام	۴۲۹

جایی که غیر از من و تو کسی نباشد. ۴۲۹

توبهٔ بشر حافی. ۴۳۰

پیشگفتار

انسان و معیار ارزشها

از قدیم الایام در میان جوامع و گروهها و مذاهب، این اختلاف وجود داشته است که ارزش انسان به چیست و کرامت انسانی در سایه چه چیزی تأمین می‌گردد؟ عده‌ای برای به دست آوردن آن به انحراف کشیده شده‌اند و سعادت خود را در مخالفت با مذهب و دین و گرایش به تمایلات نفسانی، جست‌و‌جو کرده‌اند. ما در اینجا ابتدا سه دسته از اغراض و ارزشها را ذکر کرده سپس نظر قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را بیان می‌کنیم:

۱- داشتن مال و ثروت

بعضی به جای به دست آوردن ارزشهای حقیقی، به ارزشهای کاذب روی آورده‌اند و داشتن مال و ثروت و داشتن خانه‌های مجلل و تزیینات و دکوراسیون گران قیمت و یا استفاده از اشیای خارجی را یک افتخار و ارزش می‌دانند؛ و دائماً در راه جمع آوری مال و تهیه اجناس لوکس در تلاش می‌باشند و عمر خود را صرف به دست آوردن آن می‌کنند. این گونه افراد، آنقدر در مادیات غوطه‌ور می‌شوند که نه تنها معنویات را رها می‌کنند، بلکه معنویت را سَد راه این ارزشها می‌دانند.

اینها هرگز در مجالس وعظ و خطابه شرکت نکرده و از حضور در نماز جماعت و نماز

جمعه و همنشینی با علما و دانشمندان و مؤمنین محروم می‌باشند. قرآن کریم در این زمینه هشدار داده و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^(۱)

ای اهل ایمان! مبادا هرگز مال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل سازد و کسانی که به امور دنیا پرداخته و از یاد خدا غافل شوند آنها به حقیقت زیانکاران هستند.

البته بدیهی و روشن است که اسلام مخالف کار و تلاش و تأمین زندگی خود و خانواده نیست؛ بلکه آن را عبادت می‌داند. آنچه مذموم بوده و می‌باشد؛ چسبیدن به دنیا و دنیاطلبی است. مسلمان باید زندگی خود را تنظیم نماید و موقع کار به کار بپردازد و هنگام عبادت، عبادت نماید.

۲- داشتن پست و مقام

گروهی از انسانها، معیار شخصیت خود را داشتن مقام و پست می‌دانند و این در میان همه اقشار بخصوص خانمها بیشتر دیده می‌شود؛ آنها خود را به هر آب و آتشی می‌زنند تا بلکه کاری در اداره‌ای و یا شرکتی و یا مؤسسه‌ای خصوصی پیدا کرده و به دیگران فخر بفروشند که من، شاغل می‌باشم؛ و گاهی در این مسیر و برای به دست آوردن آن دست به هر خلاقی می‌زنند.

مسئولین و کارمندان باید بدانند، پست و مقام، یک وظیفه و امانت است که به آنان سپرده شده است تا بتوانند خدمت کنند، نه اینکه طعمه‌ای باشد که آنان دنبال آن شده و اکنون به آن رسیده و باید نهایت استفاده را ببرند.

۳- افتخار به نژاد و قبیله و نیاکان

گروهی از انسانها، بدون آنکه هنری داشته باشند، تنها افتخارشان نژاد، قبیله، پدران و اجدادشان می‌باشد و این، از اخلاقیات ناپسند دوران جاهلیت بوده است. عده‌ای از قبایل، در

این زمینه تا آنجا افراط کردند که در نزاعها و اختلافات، ضمن افتخار به نژاد و قبیله، به تعداد افراد خود نیز مباحثات می‌کردند و به سر قبرستانها رفته و تعداد مرده‌های خود را نیز به همراه زنده‌ها می‌شمردند و هر قبیله‌ای که تعداد افرادش بیشتر بود؛ آن را نوعی ارزش برای خود می‌پنداشت و یا بعضی از آنها به پدران و نیاکان خود افتخار می‌کردند؛ ولی اسلام با ارائه فکر و اندیشه‌ای عالی، خط بطلان بر تمامی این رسومات جاهلی کشید و با جایگزین نمودن تقوا و اخلاقیات انسانی، آنها را از صحنه زندگانی مسلمانان دور نمود.

۴- تقوا بهترین معیار و ارزش

در میان تمام معیارها و ارزشها، آنچه ماندنی و دارای حقیقت و واقعیتی می‌باشد تقواست، آنچه سبب کرامت انسان و بهره‌برداری صحیح از عمر و تأمین دنیا و آخرت و زندگی همراه با عزت و سربلندی می‌شود تقواست.

در اصول کافی حدیثی است و گرچه این حدیث مفصل است؛ ولی چون با بحث ما ارتباط و مناسبت دارد آن را در اینجا نقل می‌کنیم:

«عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: يَا جَابِرُ! أَيَكْتَفِي مَنْ ائْتَحَلَ التَّشْيِعَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَامَّا كَانُوا يَفْرَحُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَّاضِعِ وَالتَّخَشُّعِ وَالأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَالْبِرِّ بِأَوْلِي الدِّينِ وَالتَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ وَالْفَارِمِينَ وَالْأَيْثَامِ وَ صَدَقِ الْحَدِيثِ وَ تَلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ كَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَ كَانُوا أَمْنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ. قَالَ جَابِرُ! فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام! مَا أَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا بِهَذِهِ الصِّفَةِ؛ فَقَالَ: يَا جَابِرُ! لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ حَسَبَ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ: أَحِبُّ عَلِيًّا وَ اتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فِعْلًا فَلَوْ كَانَ أَنِّي أَحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام فَرَسُولُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنِّي عَلَيَّ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِرَّتَهُ وَلَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ، مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِلَّا هُؤُلَاءِ شَيْءٌ؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ أَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ اتَّقَاهُمْ وَ أَعْلَمُهُمْ بِطَاعَتِهِ. يَا جَابِرُ! وَاللَّهِ مَا

يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا بِالطَّاعَةِ؛ وَمَعْنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَلَا عَلَى اللَّهِ
لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ غَاصِباً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ
مَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ» (۱)

جابر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که خود را شیعه می‌داند، همین مقدار کافی است که بگوید: من شیعه و دوستدار اهل بیت هستم؟ به خدا سوگند شیعه ما نیست مگر کسی که از خدا بترسد (و از گناه دوری کند) و خدا را اطاعت و بندگی نماید. شیعه‌های ما شناخته نمی‌شوند مگر به علامتهایی (که آنها عبارتند از) تواضع، خشوع، امانتداری، کثرت یاد خداوند، روزه، نماز، نیکی به والدین، رسیدگی به نیاز همسایگان از مستمندان، بدهکاران و یتیمان، راستگویی، خواندن قرآن، نگهداشتن زبان از (غیبت و عیبجویی) مردم، مگر به ذکر خیر برای آنها و آنها در هر چیز، امین قوم خود هستند.

جابر می‌گوید: عرض کردم: یا ابن رسول الله! در این عصر و زمان، کسی را با این ویژگی‌ها نمی‌شناسم، فرمود: ای جابر! مبادا راه و روشهای مردم، تو را به این عقیده بکشاند که برای ایشان همین مقدار بس است که می‌گوید: من علی را دوست دارم و پیرو اویم؛ ولی عملاً به گفته خویش ملتزم نباشد (اعمالش مطابق گفتارش نباشد، با زبان بگوید من شیعه علی هستم؛ ولی اعمال و کردارش، عکس آن را ثابت کند) اگر چنانچه کسی بگوید، من رسول خدا را دوست دارم و رسول خدا صلی الله علیه و آله بهتر از علی علیه السلام است؛ ولی عملاً از شیوه و کردار آن حضرت پیروی ننماید، دوستی آن بزرگوار، برایش سودی نخواهد داشت. از خدا بهره‌زید و برای خوشنودی او کار کنید، حقیقتاً خداوند با هیچ کس، نسبت و قرباتی ندارد. محبوب‌ترین و گرمی‌ترین بندگان نزد خداوند متعال، پرهیزکارترین و داناترین آنان است به راه اطاعت و فرمانبرداری.

ای جابر! به خدا سوگند، امکان تقرب به خدا نیست مگر به اطاعت، با ما آزادی از دوزخ

است و هیچ کس را بر خداوند حجتی نیست. هرکس که مطیع و فرمانبردار خدا باشد، او دوست ما می‌باشد و هرکس خدا را نافرمانی نماید، دشمن ما است. هیچ کس به ولایت ما نمی‌رسد مگر با عمل نیک و دوری از گناه و معاصی.

چنانچه خداوند در قرآن کریم فرمود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (۱).

ای مردم! ما همه شما را نخست از یک مرد و زن آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فزق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید (نه آنکه به واسطه نسب، برهم فخر کنید و دل یکدیگر را بشکنید و بدانید که اصل و نسب نژادی، مایه افتخار نیست بلکه) بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شما هست و خداوند (هم بر نیک و بد مردم و ظاهر و باطن آنان) کاملاً آگاه است.

خداوند در این آیه شریفه، ارزشهای واقعی و راستین را در سایه تقوا و پرهیزکاری قرار داده است و می‌فرماید: هرکس که تقوا و التزام عملی آن به دین و پابندی او به اسلام بیشتر باشد؛ شخصیت و ارزش و احترام او در نزد خداوند بیشتر است؛ و همچنین فلاح و رستگاری و سعادت را مخصوص مؤمنین و اهل تقوا می‌داند و می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (۲).

براستی که مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نماز خشوع می‌ورزند.

تقوا چیست؟

تقوا، عبارت است از اطاعت، سرنهادن بر تکالیف، انجام واجبات و دوری گزیدن از آنچه خداوند نهی نموده است. به عبارت دیگر، تقوا دو چهره و دو رو دارد، یکی چهره عمل و دوم چهره ترک و دوری و اجتناب؛ اولی، انجام طاعات، عبادات و دستورات خداوند و دومی، ترک

۱- هجرات/ ۱۳.

۲- مؤمنون/ ۲، ۱.

معاصی و گناهان است. دوری از گناه دشوارتر است و رعایت آن لازم‌تر؛ زیرا انجام واجبات در توان همه است؛ ولی ترک معاصی و گناهان، تنها در توان مؤمنان راستین می‌باشد.

پیامبر اسلام ﷺ فرموده‌اند:

«الْمُهَاجِرُ مَنْ هَاجَرَ السُّوءَ وَالْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ هَوَاهُ» (۱)

مهاجر واقعی کسی است که از سر هوا و هوسهایش برخیزد، مجاهد راستین آن است که با هوسهای خود ستیز کند.

و حضرت رسول ﷺ به هنگام بازگشت از جهاد به یاران رزمنده خود فرمودند:

«رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ» (۲)

ما از جهاد کوچک‌تر، به سوی جهاد بزرگ‌تر (که مبارزه با نفس است) بازگشتیم.

اگر انسان مؤمن، در سیر الی الله به تحصیل هر دو چهره تقوا موفق شود به حقیقت تقوا رسیده است؛ ولی اگر به عمل به واجبات اکتفا کند، فریب شیطان را خورده و مثل او مانند کشاورزی است که به همراه کشتش، علف هرز روییده و کشتش را فاسد کرده است و او به جای اینکه علفهای هرز را از بیخ و بُن در آورده سر آنها را می‌چیند و ریشه آن را رها می‌کند و هر روز ریشه آن قوی‌تر می‌شود تا جایی که کشت او را از بین می‌برد.

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: تقوا چیست؟ ایشان فرمودند:

«أَنْ لَا يَفْقُذَكَ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ» (۳)

هرجا خداوند تو را فرمان داده است، حضور داشته باشی و در جایی که نهیت کرده، دیده نشوی.

بهترین راه رسیدن به تقوا، محاسبه نفس و ارزیابی اعمال خود در هر صبح و شام است. همانطور که انسان کارهای مادی خود را محاسبه می‌کند، باید بداند چه چیزی را برای خود از پیش می‌فرستد؛ چنانچه خداوند می‌فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (۱)

هان ای مؤمنان! تقوای خدا پیشه کنید و بنگرید که نفس شما برای فردایتان چه چیز فرستاده است.

پیامبر خدا ﷺ در این زمینه می‌فرماید:

«خَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُخَاسِبُوا» (۲)

پیش از آنکه اعمالتان را ارزیابی کنند، خودتان آنها را ارزیابی کنید.

روزی، مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! دستور عملی عنایت فرمایید». حضرت پرسیدند: «آیا آن را آویزه گوش خود می‌کنی؟» عرض کرد: «بلی». حضرت فرمود:

«إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ، فَإِنْ كَانَ رُشْدًا فَاْمُضِ بِهِ، وَإِنْ كَانَ غِيًّا فَانْتَهُ عَنْهُ» (۳)

وقتی که برای انجام کاری همت کردی، به فرجام آن بیندیش، اگر رشد و کمال تو در آن بود، به آن اقدام کن و اگر مایه گمراهی تو بود، آن را ترک کن.

پیامبر ﷺ در حدیث دیگری فرمودند:

«يَتَبَغَى لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَرْبَعُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ يُخَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ...» (۴)

بر خردمند است که اوقات روزانه خود را چهار بخش کند: ساعتی، اعمال روزانه‌اش را ارزیابی کند...

انسان مؤمن باید از سرمایه عمر، بهترین و بیشترین استفاده را ببرد و در تحصیل تقوا بکوشد، تا روزی که تمام انسانها در آن جمع می‌شوند و نتیجه اعمال خوب و بد خود را می‌بینند، حسرت نخورد و از گذشته خود پشیمان نشود، چنانچه خداوند تعالی فرمود:

۱- حشر/ ۱۸.

۲- محاسبة النفس، لابن الطاووس، ص ۱۳.

۳- احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۴۰۴.

۴- احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۴۰۵.

«يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ» (۱)

روز قیامت، روزی است که خداوند تمام انسانها را جمع می‌کند و آن روز روز غبن است.

بعضی از بزرگان درباره غبن و حسرت آخرت، گفته‌اند:

بر فرض این که فرد بدکار، مورد عفو قرار گیرد، با محرومیت از پاداش و مقام خوبان چه خواهد کرد. مگر نه این است که مقام خوبان را از دست داده است.

آثار و نتایج تقوا

از میان تمامی واژه‌های اسلامی، پر استعمال‌ترین آنان، کلمه زیبای تقواست که حدوداً ۲۴۸ بار در قرآن تکرار شده است و در نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، محور خطبه‌ها و نامه‌ها و وصایای حضرت علی (ع) و دعا‌های امام سجاده (ع) می‌باشد و کمتر کسی است که این واژه مهم را به کرات نشنیده باشد، بخصوص در نماز عبادی، سیاسی جمعه که بر امام جمعه و خطیب جمعه واجب است نمازگزاران را به آن سفارش نماید.

این کلمه چه حکمتی دارد که این همه در قرآن و روایات روی آن تکیه شده و از عمده‌ترین ارزشهای والای اسلامی محسوب گردیده است؟ معجزه تقوا چیست که با دستیابی به آن، گره‌ها باز، ظلمتها تبدیل به روشنایی و دشواری‌ها آسان می‌شوند؟

تقوا چه حوزه‌ای است که وقتی انسان، توفیق ورود به ساحت آن را پیدا نمود، خاطرش از انحراف آسوده و به بالاترین مرتبه کرامت و فضیلت در نزد خداوند متعال دسترسی پیدا می‌کند؟

تقوا، محدودیت و ممنوعیت نیست که اجتناب و پرهیز را به دنبال آورد و انسان را به انزوا و تنهایی بکشاند. تقوا نگرانی و ترس از مواجهه با باطل نیست که انفعال و انعطاف را به دنبال آورد و از آدمی چهره‌ای در خود فرو رفته و بیگانه بسازد.

تقوا، جرأت است و شجاعت، تقوا مصونیت است و قدرت، تقوا، استحکام بنیه‌های

حفاظت و نگهداری از خویش است و خلاصه، تقوا بتون ریزی مستحکم پایه‌های اعتقاد و ایمان به ارزش‌ها و آرمان‌هاست. انسان متقی در همه جا محکم است و متین؛ و برایش فرقی نیست که کجاست و مقابلش کیست؟ توانایی‌های درونی انسان مسلمان که او را به مصونیت و معصومیت در برابر خطاها و انحراف‌ها رسانده است و از او چهره‌ای نیرومند و قوی ساخته است، همان تقوایی است که به عنوان مقدس‌ترین ارزش اسلامی محسوب گردیده است. در این اراده انسان متقی، محیط مؤثر نیست، چرا که فراتر از محیط است و بر آن تسلط دارد. در عزم و اراده انسان متقی، وسوسه‌ها کارگر نیست، چرا که او به نوری رسیده است که همه چیز در برابر آن، چهره اصلی خود را بروز داده و آنچنان که هستند برایش رخ نموده‌اند. برای او تزویر و تزیین شیطان کارگر نیست، چون تزیین در غفلت مؤثر است و متقی، پرده‌های ابهام، تردید و غفلت را پاره کرده است و به حقیقت بی‌نی نائل آمده است.^(۱) با نگاهی گذرا به آیات قرآن، به بعضی از آثار آن اشاره می‌کنیم:

۱- آمرزش گناهان:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ». ^(۲)

ای مؤمنان! تقوای الهی را پیشه سازید. راست، استوار و پرمایه سخن گوید، تا او کارهایتان را به سامان کند و گناهانتان را بیامرزد.

۲- رهایی از آتش جهنم: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا». ^(۳)

۳- زیست جاودانه در بهشت: «أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ». ^(۴)

۴- یاری و پشتیبانی خدا: «أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ». ^(۵)

۱- روزنامه کیهان، شماره ۱۵۲۹۲.

۲- احزاب / ۷۰، ۷۱.

۳- مریم / ۷۲.

۴- آل عمران / ۱۳۳.

۵- بقره / ۱۹۴.

گوهرهای نایاب

- ۵- حفظ و حراست از دشمنان: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُكُمْ شَيْئاً» (۱)
- ۶- محبت خدا به متقین: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (۲)
- ۷- تقوا پیشگان مقدمند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاهُمْ» (۳)
- ۸- برطرف کردن گرفتاری‌ها: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (۴)

عمل با تقوا کم نیست

همانطور که گفته شد، معیار و ارزش واقعی تقواست و از میان اعمال، آن عملی مورد قبول واقع خواهد شد که همراه با تقوا و توجه و اخلاص به خداوند تبارک و تعالی باشد. بنابراین، کوچک‌ترین عمل با تقوا، در نزد پروردگار، بزرگ و با ارزش است و هیچگاه نباید نگران کمی و یا کوچکی اعمال شد؛ زیرا چه بسا اعمال بزرگ؛ ولی فاقد تقوا، برای صاحبش، فایده و سودی در بر نداشته باشد. در مقابل، عمل کوچکی همراه با تقوا، بسیار مفید و پر ثمر باشد. بنابراین، ملاک، کمیت اعمال نیست؛ بلکه ملاک، کیفیت اعمال است و این مطلب در سخنان معصومین مکرراً وارد شده است که ما به دو نمونه از آن، اشاره می‌کنیم:

- ۱- سُبُلُ الْإِسْلَامِ عَنِ الْخَيْرِ: مَا هُوَ؟ قَالُوا: لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَلَكَ وَلَكِنْ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَأَنْ يُعْظَمَ حِلْمُكَ وَأَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمْدَ اللَّهِ وَإِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرْتَ وَلَمْ خَيْرٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: رَجُلٌ أَذْنَبَ ذَنْباً فَهُوَ يَتَذَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ وَرَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ وَلَمْ يَقِلْ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى وَكَيْفَ يَقِلُّ مَا يَتَقَبَّلُ؟ (۵)

از امام علی علیه السلام پرسیدند که خیر و نیکی چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: خیر و

۱- آل عمران / ۱۲۰.

۲- توبه / ۴.

۳- حجرات / ۱۳.

۴- طلاق / ۳، ۲.

۵- نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمات قصار ۹۱، ص ۱۱۲۸.

نیکی آن نیست که مال و فرزندات بسیار گردد، بلکه خیر و خوبی آن است که علم و دانشت فزونی یابد، حلم و بردباری ات زیاد شود و بر اثر اطاعت و بندگی پروردگارت، بر مردم سرافرازی و بزرگی پیدا کنی. پس اگر نیکی کردی، خدا را شاکر و سپاسگزار باش و اگر بدی کردی، از خدا آمرزش بخواه. در دنیا خیر و نیکی نیست مگر برای دو مرد: مردی که گناهی مرتکب شده و سپس با توبه آن را جبران نماید. (اگر هوای نفس بر او غالب و مرتکب گناهی شد، پشیمان گردد و توبه نماید و زنگار گناه را با آب توبه، شست و شو دهد و خود را پاک نماید، چرا که: «مَنْ تَابَ عَنِ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»؛ کسی که از گناه خود پشیمان گردد و به سوی خدا برگردد، مانند کسی است که اصلاً گناهی نکرده باشد) و مردی که در کارهای خدا پستدانه بشتابد (و کار نیک را هر چند اندک باشد انجام دهد) و کاری که با تقوا و پرهیزکاری انجام گیرد، اندک نیست، چگونه عملی که مقبول و پذیرفته می شود، اندک و کوچک می باشد؟

۲- عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَذْكُرُنَا الْأَعْمَالَ، فَقُلْتُ: أَنَا أَوْضَعُ عَمَلِي. فَقَالَ: مَهْ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ! ثُمَّ قَالَ لِي: إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى. قُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ بِلَا تَقْوَى؟ قَالَ: نَعَمْ، الرَّجُلُ يُطْعِمُ طَعَامَهُ وَ يَرْفُقُ جِيرَانَهُ وَ يُوْطِي رَحْلَهُ فَإِذَا أَرْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى وَ يَكُونُ الْآخِرُ لَيْسَ لَهُ عِنْدَهُ فَإِذَا أَرْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ» (۱)

مفضل بن عمر می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم درباره عمل و کردار بحث و گفت و گو می کردیم، من عرض کردم: چه بسیار کم است عمل من. فرمود: خاموش باش، از خداوند آمرزش بخواه! سپس به من فرمود: عمل کم و اندک ولی با تقوا، بهتر است از عمل زیاد ولی بدون تقوا. گفتم چگونه، پرکار، بی تقواست؟ (گویا مفضل از فرمایش حضرت به شگفت آمده که چگونه ممکن است کسی عملش بسیار باشد و بی تقوا باشد) امام علیه السلام

فرمود: بله، چنین چیزی ممکن است؛ این مثل مردی است که در راه خدا اطعام می‌کند و با همسایه خود به نیکی رفتار می‌کند و با آنان رفت و آمد دارد؛ اما وقتی که دری از حرام به روی او باز می‌شود، در حرام وارد می‌شود و مرتکب حرام می‌گردد. اینگونه اعمال، کار افراد بی تقواست؛ اما بر عکس، افرادی هستند که برایشان چیزی از آن اعمال وجود ندارد؛ وقتی باب گناه به رویش باز می‌شود، از آن باب وارد نمی‌شوند و مرتکب گناه نمی‌شوند. اینگونه افراد، اهل تقوا هستند.

اهمیت نماز جمعه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۱)

ای اهل ایمان! وقتی که برای نماز جمعه ندا داده می‌شود، پس به سوی ذکر خدا بشتابید و معامله را رها کنید. این کار برای شما بهتر است، اگر سودش را بدانید. قابل توجه است که در قرآن کریم، برای هیچ یک از نمازهای واجب شبانه روزی، این گونه اصرار و تأکید نشده است. اولاً: قرآن امر کرده تا مؤمنین به سوی نماز جمعه، بشتابند و معامله را ترک نمایند. ثانیاً: قرآن مؤمنان را بر شتافتن به سوی نماز جمعه، در هنگام شنیدن اذان، فرمان داده است. در صورتی که نسبت به نمازهای واجب یومیّه چنین امری نداده است.

ثالثاً: قرآن کریم از هر گونه خرید و فروش هنگام اذان جمعه نهی فرموده است. در حالی که برای هیچ نمازی این قید را نیاورده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْجُمُعَةَ فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِهِ أَوْ بَعْدَ مَمَاتِهِ اسْتَخَفَّافًا بِهَا أَوْ جُحُودًا لَهَا فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَلَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ، أَلَا وَلَا صَلَوةَ لَهُ وَلَا زَكَاةَ لَهُ، أَلَا وَلَا حِجَّ لَهُ وَلَا بَرَّ لَهُ حَتَّىٰ يَتُوبَ».

پیامبر گرامی اسلام فرمود: خدای تبارک و تعالی، نماز جمعه را بر شما واجب گردانیده است، پس هر کس که در حال حیات من یا پس از من، این نماز را سبک بشمارد یا انکارش نماید و به این جهت آن را ترک نماید، خداوند پراکندگی امور و پریشانی‌های او را برطرف نخواهد کرد و در کارش برکت نخواهد نهاد. آگاه باش که برای چنین آدمی نماز و زکات و حجی نیست. آگاه باش، هیچ عمل نیکی، برای او نیست تا اینکه توبه کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که روز جمعه می‌شود بر در مسجد فرشتگانی می‌ایستند و نام وارد شوندگان برای نماز را به ترتیب در صفحه‌ای می‌نویسند و هنگامی که امام جمعه شروع به خطبه نمود، ملائکه صحیفه را جمع کرده و جهت استماع ذکر خدا جلو می‌آیند. (۱)

تقوا و نماز جمعه

یکی از قدیمی‌ترین و پایدارترین تجلیات روح آدمی و از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان، حس نیایش و پرستش است. مطالعه در آثار و زندگی بشر در طول تاریخ، نشان می‌دهد که هر جا انسان بوده نیایش و پرستش نیز وجود داشته است، اگرچه شکل و نوع پرستش و معبودها متفاوت بوده و بعضی به صورت انفرادی و بعضی دسته جمعی بوده است. پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند؛ بلکه نوع پرستش؛ یعنی، نوع آداب و اعمالی را که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد، به بشر آموختند و از پرستش غیر از خداوند جلوگیری کردند و عبادت را یک پیمان الهی قلمداد کردند؛ چنانچه قرآن کریم فرمود:

«أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ» (۲)

ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد و پیمان نبستم که شیطان را نپرستید؛ زیرا روشن است که او

دشمن بزرگ شماست و مرا پرستش کنید که این راه مستقیم است و بسیاری از شما بشر را این دیو به گمراهی کشید، آیا هنوز عقل و فکر را به کار نمی‌گیرید؟

ای بنی آدم! ای فرزندان آدم! (صحبت یک نفر و دو نفر و یک امت و دو امت نیست) آیا من با شما پیمان نبستم؟ می‌گوید: من و شما قبلاً با یکدیگر قرارداد و پیمان بستیم که شیطان را پرستش نکنید. اینجا پرستش شیطان به آن معنا نیست که برویم در یک محراب، مجسمه شیطان را بسازیم؛ بلکه همان تبعیت از شیطان است. (وَأَنْ أَعْبُدُونِي) ما با همدیگر پیمان بستیم که شیطان را پرستش نکنید و مرا پرستش کنید. (هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) راه راست که شما را به سعادت برساند، این است.

نماز یکی از با فضیلت‌ترین عبادتها در اسلام است که در آن، انسان خاضعانه و خاشعانه در برابر خداوند سبحان به رکوع می‌پردازد. هنگامی که از امام رضا (ع) علت و انگیزه نماز سؤال شد، فرمودند:

«نماز وسیله اقرار به ربوبیت و وحدانیت پروردگار، تنزیه و میزان نمودن حضرتش از شرک و قرار گرفتن بنده در مقابل پروردگار با حالت افتاده و خشوع و اعتراف به گناهان و خطاها و درخواست عفو و بخشش از خداست. ضمناً، قرار دادن صورت بر روی خاک، تسلیم شدن در مقابل عظمت اوست. نماز وسیله‌ای است برای به یاد خدا بودن».

در ارزش و عظمت نماز همین بس که انسان بدون واسطه می‌تواند افتخار تکلم و سخن گفتن با خالق خود را پیدا نماید. امام صادق (ع) فرمودند:

«اولین چیزی که در روز قیامت از بنده محاسبه می‌شود، نماز است؛ پس اگر نماز قبول شد، دیگر اعمال او نیز مورد قبول قرار خواهد گرفت؛ ولی اگر نماز شخصی ردّ شد، سایر اعمال او نیز ردّ خواهد شد».

در اسلام چندین نماز واجب و مستحب وارد شده است و یکی از آنها نماز هفتگی به نام نماز جمعه است. قرآن مجید در خصوص این نماز می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

وَذَرُوا أَلْبَنِيحَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۱)

نماز جمعه چیست؟ نماز جمعه همان نماز ظهر روز جمعه است؛ ولی با سایر نمازها چند اختلاف دارد:

۱- نماز ظهر چهار رکعت است؛ اما نماز ظهر روز جمعه که اسمش نماز جمعه است، دو رکعت است.

۲- واجب است که با جماعت خوانده شود؛ ولی سایر نمازها، خواندنشان با جماعت واجب نیست.

۳- نماز جمعه در هر نقطه‌ای که اقامه شود؛ تا دو فرسخ از همه جوانب بر مردم واجب است که در آن شرکت کنند، مگر آنکه عذر داشته باشند.

۴- در هر نقطه‌ای که نماز جمعه اقامه شد، تا شعاع یک فرسخ حرام است، نماز جمعه دیگری اقامه بشود.

نماز جمعه دو رکعت است، نه چهار رکعت، چون در احادیث و اخبار وارد شده است که می‌فرماید:

«إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجُمُعَةُ رَكْعَتَيْنِ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ».

یعنی، آن دو خطبه به جای دو رکعت نماز حساب می‌شود.

نماز جمعه آدابی دارد که باید امام جمعه و مأمومین مراعات نمایند، از جمله آدابی را که امام جمعه باید رعایت کند، توصیه مردم به تقوا در ابتدای هر دو خطبه می‌باشد و از مهم‌ترین عوامل حفظ ایمان و روحیه در مردم، تذکرات اخلاقی مخصوصاً تقواست. به نظر می‌رسد اگر توصیه‌ای مهم‌تر از تقوا وجود داشت، حتماً بر خطیب جمعه واجب بود مردم را به آن متوجه بسازد و البته امر بسیار مهمی است چنانچه رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای فرمودند:

به نظر من یکی از مشکل‌ترین کارهایی که به عهده ائمه جمعه گذاشته شده، امر به

تقواست که از همه کارها سخت تر همین است. امر به تقوا برای کسی که خودش در آن حدی از تقوا نباشد که بخواهد مردم را امر به تقوا کند، خیلی کار سختی است؛ یعنی، انسان وقتی می‌خواهد امر به تقوا کند، ناگهان ببیند مصداق آیه شریفه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^(۱) قرار گرفته، لذا یکی از سخت‌ترین کارها امر به تقواست.^(۲)

مجموعه‌ای که در برابر شماسه؛ به نام گوهرهای نایاب و یا مجموعه‌ای از آیات و روایات متنوع در زمینه تقوا و داستانها و حکایتهایی از حالات تقوایی ائمه و علمای اسلام می‌باشد که به حول و قوه الهی توفیق جمع آوری و تدوین آن نصیب حقیر شد. از آنجا که بر خطیب جمعه واجب است، در هر دو خطبه نماز جمعه، نمازگزاران را به تقوا سفارش و توصیه نماید، از مدتها قبل به این فکر بودم تا مجموعه‌ای در این زمینه جمع آوری کنم تا بدین وسیله خدمتی به دوستان و همکاران خود، ائمه محترم جمعه سراسر کشور نموده باشم که بحمدالله اکنون آماده شده است.

از حضرات ائمه محترم جمعه و مطالعه کنندگان این مجموعه درخواست می‌کنم تا اینجانب را از نظرات سودمند خود بهره‌مند نمایند. این اثر ناچیز را به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای - مد ظله العالی - تقدیم می‌نمایم و از خداوند متان آرزومندم تا سایه پر برکت معظم‌له را بر سر قاطبه امت اسلامی در سراسر جهان بخصوص ملت عزیز و شرافتمند ایران، مستدام و وجود شریفش را از جمیع بلیات ارضی و سماوی محافظت بفرماید.

و امیدوارم این خدمات مورد قبول و مرضی رضای حضرت حق باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله

غلامرضا نیشابوری

امام جمعه شهرستان زرندیه